

A Study on the Fortresses of the Medieval Islamic Period in South Khorasan (Case Study: Hud i-Ghulam Kush /Qal ih Darrih Mountain Fortress in Birjand County)

Mohammad Farjami¹
Mostanser Gholinezhad

Abstract

The Nizaris, followers of one of the Shiite sects, established a state in the mountainous regions of the Alborz and the central and eastern parts of Iran, specifically in Quhistan, during the decline of the Fatimid Caliphate in Egypt and the division among the Fatimids at the end of the 5th century AH. Throughout their 170-year history, they were continuously in opposition to the Abbasid Caliphs and their Seljuk administrators. After Alamut, Quhistan was considered the second key settlement center for Ismaili Shiites during the Seljuk era. Due to its unique geographical features and distance from political centers, this region provided a safe haven for protecting the followers of this sect from the attacks of the powerful Seljuk state. To defend themselves in this area, the Ismailis built strong fortresses along major communication routes and important towns, as well as on the heights of rugged mountains. These mountain fortresses served as shelters for the propagators and followers of this sect over a span of 170 years. Among the notable fortresses in this area, located south of the city and district of Birjand, is the Hud i-Ghulam Kush or Qal ih Darrih Fortress. This castle was situated on the communication

¹PhD of Archaeology, South Khorasan Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts Organization, farjamimohammad@ut.ac.ir

**PhD candidate of Archaeology, University of Paris 1 Pantheon-Sorbonne, ArScAn, UMR7041, mostanser.gholinezhad@gmail.com

Date received: 21/4/2024, Date of acceptance: 28/7/2024



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

path between the central areas of Iran (such as Isfahan, Sistan, Yazd, and Kerman) and Quhistan, as well as the central and northern regions of Khorasan and Transoxiana. The aim of this study is to describe and analyze the architecture of various parts of the Hud i-Ghulam Kush or Qal ih Darrih Fortress, with an emphasis on the findings from the excavation of this fortress in 2008. The Hud i-Ghulam Kush or Qal ih Darrih fortress includes various sections like other Ismaili fortresses in the region, such as the citadel, multiple reservoirs, outer wall, byre, cemetery, as well as a mill, soil extraction site, etc. This research is based on a descriptive-analytical method and a historical-cultural approach, with its findings compiled through fieldwork and library research.

Key words: Birjand, Quhistan, Hud i-Ghulam Kush/ Qal ih Darrih, Seljukid, Ismailis

پژوهشی بر دژهای سده‌های میانه اسلامی خراسان جنوبی (مورد پژوهش: قلعه کوه
دره / حوض غلام [غلم] کش شهرستان بیرجند)

محمد فرجامی*

مستنصر قلی نژاد**

چکیده

قهستان پس از الموت، به‌عنوان دومین کانون سکونت شیعیان اسماعیلی در دوره سلجوقی به حساب می‌آمد. این منطقه به دلیل شرایط و ویژگی‌های خاص جغرافیایی و همچنین دوری از مراکز حاکمیتی و سیاسی، مأمنی برای حفاظت از پیروان این مذهب در برابر حملات دولت قدرتمند سلجوقی بود. اسماعیلیان به منظور دفاع از خود در این منطقه، اقدام به ساخت دژهایی مستحکم بر سر راه‌های ارتباطی و شهرهای مهم و در بلندای کوه‌های سخت‌گذر نمودند. این دژهای کوهستانی توانسته‌اند در درازای یک دوره ۱۷۰ ساله به‌عنوان پناهگاهی برای گسترش دهندگان و پیروان این مذهب عمل نمایند. از جمله دژهای شاخص این منطقه در جنوب شهرستان و شهر بیرجند، قلعه دره/حوض غلام کش است. این قلعه بر سر راه ارتباطی نواحی

* دانش آموخته دکتری تاریخ، کارشناس اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان خراسان جنوبی،

ایران farjamimohammad@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده باستان‌شناسی پاریس، پانتئون-سوربن، گروه باستان‌شناسی و علوم

دوران باستان، واحد UMR7041، mostanser.Gholinezhad@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۰۷



مرکزی ایران (همچون اصفهان، سیستان، یزد و کرمان) به قهستان و نواحی مرکزی و شمالی خراسان و فرارود قرار گرفته است. هدف این پژوهش، توصیف و تحلیل معماری قسمت‌های مختلف قلعه بند دره/غلامکش با تأکید بر یافته‌های آواربرداری این قلعه در سال ۱۳۸۷ش. است. قلعه غلامکش/دره مانند سایر دژهای اسماعیلی منطقه دارای بخش‌های مختلفی چون ارگ، حوض‌انبارهای متعدد، خربند، حصار بیرونی، اصطبل، قبرستان، آسیاب، مکان برداشت خاک/خاک‌کن و ... می‌باشد. پژوهش حاضر بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تاریخی - فرهنگی انجام شده و یافته‌های آن به صورت میدانی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: بیرجند، سلجوقی، قهستان، اسماعیلیان، قلعه بند دره/غلامکش.

۱. مقدمه

در میان فرق اسلامی، شیعیان بیشتر به نهضت آزادی‌خواهانه مردم ایران در برابر حکومت‌های عرب و جنبش‌های رهایی‌بخش آنان کمک و یاری کردند. نهضت شیعیان اسماعیلی، خواه فاطمیان که رنگ عربی داشت و خواه نزاریان که در ایران نشو و نما یافت، از همان آغاز کار از خصلت‌های جنبش‌های ایرانی برخوردار بود. گواه آن، دشنام‌ها و بهتان‌هایی است که آشعریان دوست‌دار عباسیان نسبت به این گروه روا می‌داشتند و آنها را «دیسانی» و «مزدکی» و «مجوس» می‌خواندند. (همدانی، ۱۳۸۱: ۷) اسماعیلیان به مانند تمامی مذاهب اسلامی دیگر، دارای انشعابات فراوانی بودند که بزرگ‌ترین این انشعابات، اسماعیلیان نزاری در ایران و گروه فعال آنان در منطقه جبل بَهرَا در سوریه بودند.

اسماعیلیان نزاری در ایران سده‌های پنج و شش هجری قمری اقدام به فعالیت‌های نظامی علیه دولت مقتدر سلجوقی کردند و به همین منظور دست به ساخت مجموعه قلعه‌های نظامی به شیوه‌ای نوین در ایران زدند. هدف آنان براندازی نظام حکومتی سلجوقی نبود، بلکه ایجاد جامعه مجزایی بود تا به‌طور کلی در مقابل مسلمین قد علم کند. (هاجسن، ۱۳۶۸: ۲۶۷) این قلعه‌ها از گیلان تا خراسان و از مازندران تا اَرْجان،

همگی بر بلندای کوه‌ها و نواحی کوهستانی سخت‌گذر و با مصالح بومی لاشه‌سنگ، آجر و ملات گچ و آهک ساخته شده‌اند. بیشتر این قلعه‌ها در نواحی مرکزی ایران چون رودبار الموت، بلندی‌های استان‌های تهران، سمنان، کرمان، اصفهان، مرکزی و در شرق ایران در خراسان و به‌خصوص در نیمه جنوبی خراسان معروف به قهستان واقع شده‌اند. سابقه ساخت برخی از این دژها، به دوران پیش از اسلام بر می‌گردد که اسماعیلیان با زور و یا نیرنگ، آنها را به دست آورده‌اند و پس از اصلاح، تعمیر و افزودن الحاقاتی مورد استفاده قرار داده‌اند. (رضائی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۱۳) تمایز اساسی این قلاع با سایر قلعه‌ها در شیوه ساخت و ساختار کلی آنها است، چرا که این قلعه‌ها همگی و بدون استثنا با لاشه-سنگ و ملات گچ ساخته شده‌اند. علاوه بر این، دارای بخش‌های دفاعی و خدماتی یکسانی نیز هستند. دیگر قلعه‌های دفاعی ساخته شده در دوره‌های مختلف در سراسر فلات ایران، قلعه‌های کوچکی هستند که شامل یک سازه دفاعی تنها با یک بارو یا حصار پیرامون و چند فضای محدود و در مواردی اندک دارای بخش‌های متنوع دفاعی و خدماتی بوده‌اند که جهت دفاع از جان و مال افراد ساخته شده‌اند و این در حالی است که قلعه‌های اسماعیلیان فارغ از اینکه از لحاظ شکلی یا نقشه با یکدیگر تفاوت‌های اساسی داشته‌اند ولی به عنوان قلعه‌هایی استفاده می‌شده‌اند که تمام فعالیت‌های معمول و زندگی روزانه افراد در داخل آنها صورت می‌گرفته و در این قلعه‌ها فعالیت‌های تولیدی عمده‌ای همچون نساجی نیز صورت می‌گرفته (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۳۶) و مهم‌تر از آن دارای بخش‌های دفاعی مشابه و مشخصی نیز بوده‌اند.

قلعه‌های اسماعیلیان در سراسر ایران پراکنده‌اند، اما در منطقه قهستان، بیشترین تعداد و بزرگ‌ترین آنها را می‌توان یافت. نکته مهم اینکه، برای بنای این دژهای کوهستانی در نواحی بلند و خشک، علاوه بر نیروی کار زیاد و ارزان، به مدیریت قاطع و اعتقادات راسخ مذهبی نیز نیاز بوده است. (رضائی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۱۴)

از جمله قلاع اسماعیلی در منطقه قهستان، قلعه کوه دره معروف به حوض غلام‌کش است که با توجه به وسعت و موقعیت قرارگیری آن از دژهای مهم اسماعیلی منطقه

محسوب می‌شده و نقش مهمی را بر سر راه‌های ارتباطی شهرهای مرکزی ایران با خراسان بزرگ ایفا می‌کرده است. هدف این تحقیق، معرفی و توصیف بخش‌های مختلف قلعه و نیز بررسی و تحلیل داده‌های به دست آمده از بررسی میدانی این منطقه است که طی پروژه آواربرداری انجام شده در سال ۱۳۸۷ش، می‌پردازد.

پژوهش حاضر به پرسش‌های زیر پاسخ خواهد داد:

الف- جایگاه و نقش قلعه دره/حوض غلام‌کش در منطقه قهستان در زمان حاکمیت آنان بر قهستان به چه شکل بوده است؟ در این خصوص به نظر می‌رسد: قلعه دره در جنوب دشت کنونی بیرجند به عنوان یکی از دژهای کلیدی و پشتیبانی اسماعیلی که دارای بخش‌های مختلف دفاعی و خدماتی بوده، دارای جایگاه ممتازی بوده است.

ب- ساختار معماری قلعه کوه دره (غلام‌کش) به چه شکل بود؟ در پاسخ به نظر می‌رسد: قلعه کوه دره (غلام‌کش) مانند بیشتر قلاع اسماعیلی قهستان بر روی کوهی منفرد و مشرف بر پیرامون ساخته شده و از لحاظ فضاهای معماری دارای قسمت‌های مختلف و مشابه این گونه دژها چون برج و بارو، ارگ، حوض انبار و ... است.

ج- با توجه به یافته‌های به دست آمده از سطح قلعه و همین‌طور آواربرداری صورت گرفته در محدوده بنای حوض غلام‌کش، این دژ در چه دوره‌هایی مسکون بوده است؟ بر اساس بررسی داده‌های به دست آمده از محل قلعه و کشف سفالینه‌هایی مربوط به سده‌های میانی (سلجوقی) و پایانی اسلامی (تیموری و صفوی) می‌توان به این پرسش پاسخ داد.

۱،۱ روش پژوهش

مقاله حاضر بر اساس روش توصیفی - تحلیلی انجام یافته و داده‌های آن از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای و برداشت میدانی به روش پیمایشی و آواربرداری در محل و با رویکرد تاریخی - فرهنگی صورت گرفته است.

۱،۲ پیشینه پژوهشی

در بیشتر نوشته‌هایی که در مورد تاریخ شهر بیرجند و پیرامون آن سخن گفته‌اند، از قلعه دره (غلام‌کش) نیز سخن به میان آورده‌اند اما در پیوند با قلعه کوه دره (حوض غلام‌کش)،

به‌طور مشروح و در برخی متون مربوط به تاریخ قهستان، جنوب خراسان و اسماعیلیه می‌توان مطالبی را یافت؛ از آن جمله، در کتاب تاریخ اسماعیلیه قهستان (فرقانی، ۱۳۸۱)، کتاب آشیانه‌های عقاب، قلعه‌های ایران و سوریه (ویلی، ۱۳۸۶)، قلعه‌های تاریخی خراسان جنوبی (نصرآبادی، ۱۳۹۱)، پایان‌نامه دفاع‌شده دوره کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند (جانفدا، ۱۳۹۸) و دژهای کوهستانی سده‌های میانه اسلامی خراسان جنوبی (فرجامی، ۱۳۹۹)، توصیفات و توضیحاتی عمومی در مورد این قلعه دیده می‌شود. این نوشته‌ها، بیشتر به معرفی قلعه به‌عنوان یکی از بناهای سده‌های میانه اسلامی و به‌طور ویژه اسماعیلیه پرداخته و در ارتباط با معماری بخش‌های مختلف آن کمتر نوشته‌اند. در دو دهه گذشته در کنار مطالعات تاریخی ذکر شده، در سه پروژه باستان‌شناسی به‌طور مشخص به قلعه کوه دره پرداخته شده است که شامل گزارش ثبت قلعه کوه دره در فهرست میراث ملی در سال ۱۳۸۱ (نصرآبادی، منتشرنشده)، گزارش یک فصل آواربرداری در حوض‌انبار دماغه شمالی قلعه کوه دره در سال ۱۳۸۷ (فرجامی، منتشرنشده) و بررسی باستان‌شناسی شهرستان بیرجند در سال ۱۳۹۱ (حیدری، منتشرنشده) می‌توان اشاره کرد.

۳.۱ وجه تسمیه

نام قلعه (دره) از دو روستای بسیار کوچک دره بالا و دره پائین گرفته شده که در غرب قلعه وجود داشته و در حال حاضر تخریب شده است. نام دیگر آن یعنی غلام‌کش در بین ساکنان بومی در پیوند با داستان/افسانه‌ای در ارتباط با سازه بزرگ انتهای شمالی قلعه است و عموم مردم آن را به‌عنوان حوض غلام‌کش یا غلم‌کش (مکانی که یک غلام کشته شده) می‌شناسند. این حوض از آثار اسماعیلیان قهستان است و آبی که به این حوض می‌آمده و آن را پر می‌کرده از رودخانه روستای نوک از طریق جویی در جنوب بوده است. (رضائی، ۱۳۸۱: ۱۸۳) مشهور است که حاکم منطقه به‌منظور استفاده از مصالح و فضای معماری بخش انتهایی قلعه که امروزه به حوض غلام‌کش معروف است، دستور تخلیه آب آن را می‌دهد و شخصی/غلامی را مأمور به این کار می‌نماید. شخص مأمور،

مدت زیادی مشغول کندن دیوار بر روی صخره انتهایی کوه بوده و سوراخی را در دیواره قلعه ایجاد می‌نماید که بقایای آن اکنون نیز بر بدنه دیواره حوض انبار و از داخل شهر بیرجند قابل رؤیت است. (تصویر ۱ و ۲) کم شدن ضخامت دیوار و فشار آب که از میزان بسیار زیاد آب در این فضا حکایت دارد، تخریب و ایجاد رخنه در دیواره و فشار آب باعث شده شخص مسئول تخلیه/غلام به پائین صخره‌های کوه پرتاب و کشته شود. (مصاحبه با آقایان برزگران و نوکی از اهالی بیرجند، ۱۳۸۵) ویلی^۲ نیز این روایت را با کمی تغییر بیان کرده است. (ویلی، ۱۳۸۶: ۲۶۳)



تصویر ۱: سوراخ ایجادشده در باروی قلعه و دیوار حوض که بنا به نقل قول‌ها مربوط به تخلیه آب حوض انبار می‌باشد. (نگارندگان، تاریخ ۱۳۸۷)

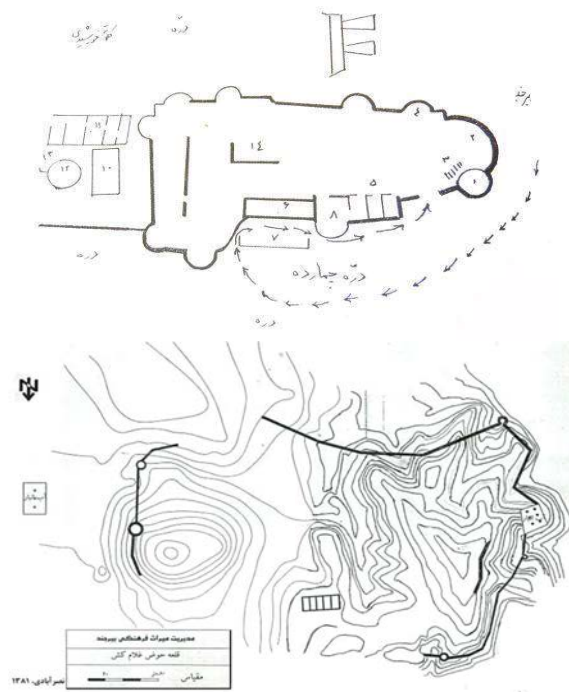


تصویر ۲: نمای بیرونی (نگارندگان، تاریخ ۱۳۸۷)

۲. قلعه غلام‌کش/دره در متون

مرحوم فرقانی با اشاره به اطلاعات حمدالله مستوفی، قلعه کوه دره (حوض غلام‌کش) را همان قلعه‌ای می‌داند که در ابتدای جنبش اسماعیلی مورد استفاده قرار گرفته است. (فرقانی، ۱۳۸۱: ۳۵۰؛ ر.ک: تصویر ۳) «قلعه دره حصار محکم است و برو چشمه آب جاری. بر بالای آن قلعه هست حاصلش غله و عناب بسیار دارد و میوه و انگور کمتر باشد». (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۴۶) به نظر می‌رسد فرقانی نیز متوجه برداشت اشتباه حمدالله مستوفی شده و قلعه دره‌ای که از آن در جامع‌التواریخ (همدانی، ۱۳۸۱: ۸۶) و جهانگشای جوینی (جوینی، ۱۳۹۱: ۷۴۹) یاد شده و به عنوان کانون آغاز قیام در برابر حکومت سلجوقی به حساب می‌آمده و در حال حاضر در مکانی نزدیک به مرز ایران و افغانستان واقع شده را با قلعه دره بیرجند برابر دانسته است. زیرا شهر بیرجند در زمان احداث قلعه از چنان اهمیتی برخوردار نبوده و قلعه دره/غلام‌کش نیز دارای استحکامات آن‌چنانی برای مقاومت در برابر لشکر مجهز سلجوقی در مقایسه با قلعه درح نمی‌باشد. (فرقانی، ۱۳۸۱: ۳۴۸؛ و همچنین برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به فرجامی، ۱۳۹۹) جوینی به این موضوع این‌گونه اشاره می‌کند: «در اوایل سال ۴۸۵ امیری دیگر را از خواص او، نامش قزل ساروغ، نامزد دفع ملاحده قهستان کرد و لشکرهای حدود خراسان را به متابعت و

مظاهرت او فرمود، قزل ساروغ آن را در حصار دره که متصل سیستانست از مضاف مؤمناباد محصور کرد و به جنگ ایشان مشغول شد.» (جوینی، ۱۳۹۱: ۷۴۹) رشیدالدین نیز همین ماجرا را این گونه روایت کرده است: «ملکشاه از غلامان خود قزل ساروغ نام را قهستان به اقطاع داد و به دفع نزاریه آنجا فرستاد و لشکرهای حدود خراسان را به مدد و مظاهرت و مناصرت او اشارت فرمود و ایشان را به غیر حصار دره که متصل به سیستان است از مضافات مؤمن آباد هیچ پناهگاه دیگر نبود.» (جوینی، ۱۳۸۱: ۸۶) کاشانی نیز همین روایت را آورده: «چون آوازه دعوت سیدنا فاش شد؛ سلطان از غلامان خود امیر قزل ساروغ نام را در قهستان به اقطاع داد و به دفع بواطنه نزاریه آنجا فرستاد و سپاه حدود خراسان را به مساعدت او مثال داد. و زمره رفیقان را در آن وقت به جز از حصار دره که متصل سیستان است از مضافات مؤمناباد هیچ ملجائی دیگر نبوده، قزل ساروغ آن را محصور کرد و مدتی به محافظت آن مشغول، جز باد هوا چیزی به دست نداشت.» (کاشانی، ۱۳۶۶: ۱۴۴) در نهایت نگارندگان این گمان را دارند که با توجه به نزدیکی قلعه درح فعلی به سیستان و هم وضعیت قرارگیری قلعه در یک منطقه سخت گذر که از نقطه نظر نظامی و راهبردی می تواند به عنوان قلعه ای مستقل در برابر نیروی پرتوان سلجوقی مقاومت کرده باشد، همان قلعه ای است که در نوشته های تاریخی مطرح شده و نویسنده کتاب تاریخ اسماعیلیان قهستان (فرقانی) نیز به این مطلب اشاره دارد. (فرقانی، ۱۳۸۱: ۳۴۸)

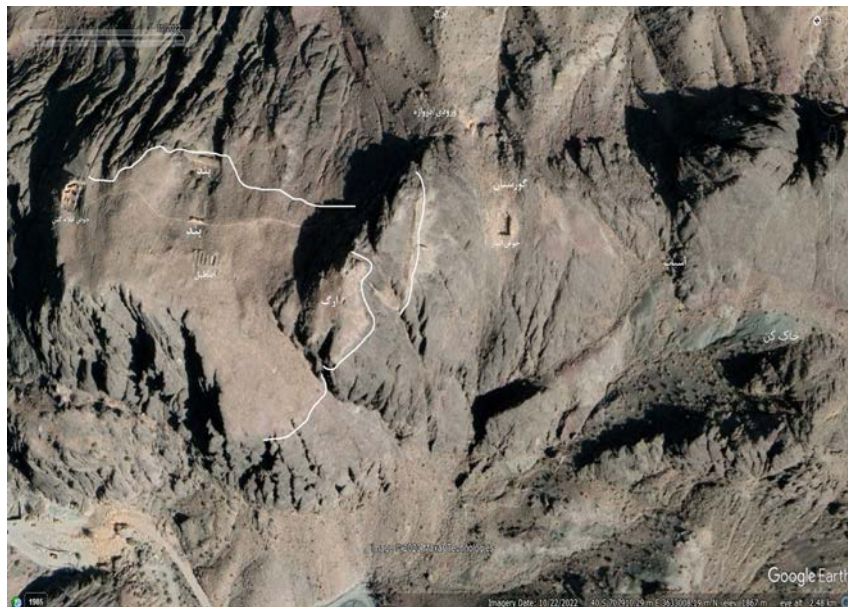


تصویر ۳ و ۴: برداشت دستی از بخش‌های مختلف قلعه دره/غلام‌کش (فرقانی، ۱۳۸۶: ۳۸۵؛ نصرآبادی، ۱۳۸۱)

۳. منظر عمومی و سازمان فضایی قلعه غلام‌کش/دره بیرجند

قلعه دره/غلام‌کش در مختصات (میانه قلعه) 707779 طول و 3633194 عرض جغرافیایی بر کوهی به بلندی 1880 متر در فاصله $2,5$ کیلومتری جنوب بیرجند و مشرف بر آن در دامنه شمالی ارتفاعات باغران ایجاد شده است. (تصویر ۴) بلندی کوه نسبت به پیرامون نزدیک به 230 متر و از کوه‌های اطراف خود به نسبت بلندتر و دارای دره‌ها و گذرگاه‌هایی در پیرامون است. راه دسترسی به قلعه از شهر بیرجند بدین گونه است که از کمربندی جنوبی شهر، بلواری به سمت جنوب امتداد دارد که با حرکت در این مسیر آسفالته به منطقه گردشگری بند دره و قلعه دره دسترسی می‌توان داشت. با عبور از بند/سد دره و ادامه مسیر در دره جنوبی بند و بعد از طی حدود 800 متر در جاده خاکی

به سمت جنوب کوه قلعه، راه دسترسی پاکوبی در دره جنوبی کوه به سمت شرق به چشم می‌خورد که ادامه راه در این مسیر و سپس چرخش به سمت شمال به سازه‌های معماری در جنوب قلعه دست می‌یابیم. قلعه کوه دره یا حوض غلام‌کش در سال ۱۳۸۲ و با شماره ۹۶۰۶ در فهرست میراث ملی به ثبت رسیده است. قلعه بند دره از شرق به دره چارده و از جنوب به روستای دزگ، از شمال به دشت و شهر بیرجند و از غرب به روستای دره و بند تاریخی دره اشراف دارد. به‌طور کلی، سازه‌ها و فضاهای معماری قلعه غلام‌کش را به دو بخش می‌توان تقسیم‌بندی کرد. (تصویر ۵) فضاهای داخلی و فضاهای بیرونی قلعه از لحاظ ارتفاعی در دو سطح ساخته شده که بخش بلندتر دارای محدوده و وسعتی اندک است و به نظر می‌رسد دارای دیوار و حصار در پیرامون بوده و بناهایی در داخل آن به صورت متراکم وجود داشته است. این بخش از لحاظ جغرافیایی در جنوب قلعه واقع شده و اشراف کلی به تمامی بخش‌های قلعه و حتی پیرامون خصوصاً جنوب دارد و می‌توان از آن به عنوان ارگ یا شاه‌نشین یاد کرد. بخش دوم که در سمت شمال و در حال حاضر سازه‌های کمتری در سطح آن به چشم می‌خورد را می‌توان بخش اصلی و پائین‌تر قلعه دانست که دارای شیبی نسبتاً ملایم از غرب به شرق و در مجموع رو به شمال شرق و دشت بیرجند دارد. در میانه این سطح چند سازه چون فضای معماری معروف به اصطبل، دو بند جهت مهار آب‌های سطحی و فضای معروف به حوض غُلم-کش در انتهای این بخش و رو به شمال به چشم می‌خورد. این قلعه با توجه به یافته‌ها از لحاظ اهمیت، در ردیف قلاع درجه دو محسوب شده و چون شهر بیرجند به احتمال اهمیت آن چنانی در آن زمان نداشته، می‌توان گفت تنها کاربرد اصلی قلعه، کنترل راه تجاری بیرجند (قهستان) به سیستان و کرمان بوده است.



تصویر ۵: موقعیت مکانی مجموعه بناهای قلعه حوض غلام‌کش در تصویر ماهواره‌ای (Google earth)

ارگ: مهم‌ترین و بلندترین بخش قلعه غلام‌کش ارگ آن است که در جنوب شرقی کوهی که قلعه بر آن ساخته شده، قرار گرفته است. ارگ بر روی برجستگی صخره‌ای نسبتاً صعب‌العبور که در برخی از قسمت‌ها به‌ویژه در جنوب و شرق دارای شیب‌های تندی است که کار صعود و فرود در قلعه به هیچ‌عنوان از آن قسمت‌ها امکان‌پذیر نیست. ارگ دارای برج‌های متعدّد و بسیار مستحکمی بوده که تنها برج مرکزی آن باقی‌مانده (تصویر ۷) و بقیه برج‌ها، نه به‌طور کامل، ولی قسمت عمده آنها تخریب و فقط تنها بخش‌هایی از پی‌سازی آنها باقی‌مانده است. برج مرکزی ارگ، به وسیله دیوارهای مضاعفی در دو سوی آن حفاظت شده و در دو سوی دیگر پرتگاهی با اُفت ۹۰ متری از حملات مصون است. از ارگ بلند، غیر از بازمانده‌های یک برج دایره‌ای شکل و چند فضای معماری تخریب شده، دیگر چیز زیادی برجای نمانده است. حوض انباری به صورت نیم‌دایره و

نه چندان بزرگ در قسمت شمالی ارگ و مشرف به دیواره صخره‌ای شمال ارگ و راه ورودی به قلعه موجود است. (تصویر ۶) این حوض انبار جز با بررسی دقیق قابل مشاهده نیست و گزارش بازدیدکنندگان قبلی از قلعه، گواه این مسئله است که آن را ندیده‌اند، چون به‌طور کامل در زیر خاک مدفون شده و در سال‌های اخیر کاوشگران قاجاق اقدام به ایجاد حفراهی در دیواره شمالی این حوض انبار نموده‌اند که دیواره ساروجی و اندود ساروجی آن به دست آمده که می‌تواند دلیل محکمی بر محل ذخیره بودن آن (حوض انبار) باشد. راه ورود به ارگ را می‌توان از قسمت غربی و از داخل قلعه از جانب شمال ارگ دانست؛ چرا که ارگ، در بخش غربی با شیب نسبتاً ملایمی به قسمت میانی قلعه متصل می‌شود ولی شدیداً ویران شده، با وجود این، گمان می‌رود که پلکانی در این بخش برای ارتباط ساخته شده باشد.



تصویر ۶: مکان ورود به قلعه، تصویر ۷: بخشی از دیواره ارگ از جانب جنوب که جای چوب جهت کلاف‌کشی و استحکام بر بدنه دیده می‌شود. (عکس از نگارندگان، ۱۳۸۵)

سطح دوم یا فضای عمومی قلعه: بخش دوم قلعه که با اختلاف ارتفاعی حدود ۱۰ متر پایین‌تر از سطح ارگ و در شمال و غرب آن قرار گرفته، محدوده وسیعی از قلعه را شامل می‌شود و بیشترین سازه‌های قلعه در این بخش جا گرفته است. این بخش دارای دو بند(سد) برای مهار و ذخیره روان‌آب‌های سطحی، فضای غلام‌کش و فضای موسوم به اصطبل است. تمامی این فضاها داخل یک حصار بسیار ضخیم به عرض ۱۱۰ سانتی‌متر که در برخی جاها به دو متر یا بیشتر نیز می‌رسد، قرار می‌گیرند. این بخش، علاوه بر اشرافی که به قسمت‌های شرقی و جنوب شرقی قلعه دارد، همچنین برج شمالی آن کار

حفاظت از ورودی قلعه را بر عهده داشت. (تصویر ۸ و ۹) ورودی قلعه نیز در بخش جنوب شرقی در این سطح و بخشی از قلعه در زیر و شرق صخره‌ای قرار دارد که ارگ بر روی آن ساخته شده است. ورودی به گونه‌ای است که برج گوشه شمال شرقی ارگ به طور کامل به آن اشراف داشته و ورود و خروج به طور کامل از بالای این برج کنترل می‌شده است و این برج‌ها نقش بسیار مهمی در دفاع از قلعه نیز داشته‌اند.

با توجه به بقایای آجر و سنگی که در خارج از دیوارهای قلعه ریخته شده، می‌توان گفت که مصالح عمده‌ای از قلعه به صورت عمدی تخریب و راهی روستاهای اطراف و حتی شهر بیرجند شده که شاید بتوان آثار و آجرهای این بنای بزرگ را در شهر بیرجند و حتی روستاهای پیرامون، چون روستاهای دره، چاریشت، دزگ بالا، دزگ پایین، سرپل، بیدخت، چهارده و بیشتر در بنای بند دره مشاهده نمود.

فضای اصلی قلعه کوه دره (حوض غلام‌کش) در حدود ۲۲۰ متر عرض و ۳۳۰ متر طول دارد که با توجه به مخازن بزرگ آبی که در داخل و خارج آن وجود داشته، از قلاع مهم (درجه دوم) و تدارکاتی اسماعیلیه به حساب می‌آمده و احتمالاً این دژ در حمایت و تدارک قلاع دیگر اسماعیلی به مانند قلاع مود، رستم (دختر) خوسف و ناصری القور در محدوده پیرامونی دشت بیرجند، نقش مؤثری داشته و ساکنان قلعه با استفاده از این دژ راه مهم تجاری سیستان، خراسان، اصفهان و طبس به قندهار را در اختیار داشته‌اند. این قلعه به دلیل موقعیت راهبردی که داشته و به دشت بیرجند اشراف داشته، می‌توانسته حرکت کاروانیانی را که از راه کرمان به هرات و کاروان‌هایی را که از نیشابور به سیستان از این محل عبور می‌کرده‌اند، تحت نظر قرار دهد.



تصویر ۸ و ۹: نمای عمومی از جبهه شمالی و شرقی قلعه کوه دره (عکس از نگارندگان، ۱۳۸۷ و ۱۴۰۲)

اصطبل: در میانه سطح دوم و مشرف به دره شرقی قلعه، شش اتاق با عرض ۲ و طول نزدیک به ۷/۵ متر ساخته شده که این اتاق‌ها با طاق ضربی از دو طرف اتاق به یکدیگر راه دارند. بدین صورت که در هر دو انتهای اتاق‌ها ورودی‌هایی ایجاد شده است. پهنای این ورودی‌ها نزدیک به ۱۵۰ سانتی‌متر است و بیشتر فضای این اتاق‌ها با خاک و آوار پُر شده و تنها به میزان حدوداً یک متر در برخی قسمت‌ها دیوارهایی خارج از خاک به چشم می‌خورد. تمامی مصالح این فضاها از لاشه‌سنگ محلی با ملات گل ساخته شده

که فقط در دیوار شمالی و اصلی آن ملات گچ به کار برده شده است. از این مکان در برخی نوشته‌ها (فرقانی ۱۳۸۱: ۳۵۱) به عنوان اصطبل یاد شده و تنها دلیل آن را نزدیکی به راه ورودی قلعه دانسته‌اند، ولی شاهدی دال بر اصطبل بودن این مکان تاکنون ارائه نشده و به دست هم نیامده است. (تصویر ۱۰ و ۱۱)



تصویر ۱۰ و ۱۱: نمایی از سازه‌های موازی (مشهور به اصطبل) در شرق محوطه قلعه حوض غلامکش، دید از غرب. (عکس از نگارندگان، ۱۳۸۷ و نگارندگان، ۱۴۰۲)

بندهای ذخیره: در سطح دوم قلعه و در قسمت شمالی بنای موسوم به اصطبل، دو سازه با مصالح لاشه‌سنگ و ساروج ساخته شده است که دره‌های مشرف به شرق قلعه را مسدود کرده‌اند. (تصویر ۱۲) با توجه به شواهد، مکان ساخت، مصالح و عرض دیوار این دو سازه، می‌توان انتظار داشت که این دو سازه، کارکردی دوگانه در ساختار قلعه داشته که از نقطه نظر دفاعی به ساختار دفاعی قلعه کمک می‌کرده‌اند و هم اینکه در پشت این دیوارهای سترگ مکان مناسبی برای ذخیره‌سازی روان‌آب‌های جاری در سطح قلعه فراهم بوده است. به همین منظور لایه‌های اندود ساروج و ملات گچ در بخش‌های داخلی این دیوارها ایجاد شده است. این بندها شامل دیواری به عرض ۳/۵ متر و طول حدود ۲۴ متر است. همچنین این دو بند، دو بخش دیوارسازی شده دارد که دیواره داخلی به عرض ۵۰ تا ۶۰ سانتی‌متر با ملات و اندود گچ و ساروج ساخته شده و از بیرون با لاشه‌سنگ و ملات گل یا هم به صورت خشکه‌چین تا کار حفاظت از قلعه و همین‌طور عایق‌بندی را به انجام برسانند. در حال حاضر بیشتر فضای این دو بند پُر از آوار فضاهای معماری شده است و تنها دیواره بند خود را نشان می‌دهد.



تصویر ۱۲: بخش شرقی فضای عمومی قلعه و بندهای ذخیره (عکس از نگارندگان، ۱۳۸۷)

حوض غلامکش: مکانی که امروزه به عنوان حوض غلامکش در بین اهالی منطقه شناخته می‌شود، حوض انبار قلعه با دیوارهای سنگی و ستون‌های آجری است که در انتهای شمال غربی قلعه و مشرف به شهر بیرجند ساخته شده و به عنوان بخشی از ساختار دفاعی قلعه نیز محسوب می‌شود. بخش‌هایی در شمال و جنوب این بنا در سال ۱۳۷۸ در یک برنامه آواربرداری و پی‌کاوی، خاک‌برداری شد که در روند این پروژه، تنها یک بخش شمالی و بخشی از جنوب بنا که بعد از خاک‌برداری مشخص شد تالاری ستون‌دار است، شناسایی شد. ارتفاع دیوارهای بنای موسوم به حوض غلامکش در این بخش نزدیک به ۸ متر و پهنای آن در قطورترین قسمت که بخش پایینی آن باشد، نزدیک به ۴ متر و در بالای دیوار کنونی نزدیک به ۷۰ سانتی‌متر است. چارچوب اصلی بنا تقریباً به شکل چهارگوش با گوشه‌های فاقد زاویه است که ۲۰/۵ متر عرض و ۲۲ متر طول دارد. (تصویر ۱۶)



تصویر ۱۳ و ۱۴: نمای بیرونی و داخلی حوض غلامکش، دید از شمال شرق و جنوب غرب (نگارندگان، ۱۳۸۷)

دیوارهای این بنا از لاشه‌سنگ‌های تراشیده و ملات گچ نیم‌کوب ساخته شده و دارای چهار لایه اندود ساروج در بخش‌هایی است که با آب در تماس بوده است. دیوارهای موجود دارای سه فاز ساختمانی پی‌درپی است که یکی بعد از دیگری ساخته شده و دیوار داخلی که ۶۰ سانتی‌متر ضخامت دارد، از ساروج ساخته شده و دو فاز بیرونی از سنگ و ملات گچ ساخته شده‌اند. این بنا دارای چهار ردیف سه ستونی است که به نظر بلندترین آنها مربوط به یک اتاق مستطیل شکل بوده است. این بنای چهارگوش دارای یک فضای روباز یا حیاطی چندوجهی/ضلعی در وسط به عرض نزدیک به ۶ متر و طول ۸ متر بوده و اتاق‌های پیرامون با توجه به اینکه در انتهای برخی از ستون‌ها بقایای خیز طاق به چشم می‌خورد، احتمالاً سرپوشیده بوده است. طاق‌ها از مصالح آجر و ملات گچ ساخته شده و پوشش سقف نیز ترکیبی از لاشه‌سنگ، آجر و ملات گچ بوده است. در انتهای یکی از ستون‌ها و محل ایجاد طاق، فضاهای خالی از داخل و بیرون ایجاد کرده‌اند تا به سبکی بار روی ستون‌ها کمک نمایند. به احتمال زیاد، این بنا در زمان ساخت یک فضای باز عمومی بوده که از فضای انتهای شمالی به‌عنوان حوض‌انبار و از بقیه فضاها به‌عنوان فضای خدماتی استفاده می‌شده است. با پایان کار اسماعیلیه در قهستان و متروک شدن بنا در دوره‌های بعد، این فضا به دلیل وضعیت توپوگرافی زمین، به محل تجمع روان‌آب‌ها تبدیل شده است. در منتهی‌الیه گوشه شمال غربی بنا، سوراخ یا تونلی در دیواره بیرونی یا باروی قلعه ایجاد شده که از داخل ۵۰ سانتی‌متر عرض و ۶۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد که این اندازه در بیرون به عرض ۱۲۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۲ متر افزایش می‌یابد. انتهای این تونل به پرتگاه و دره شمالی قلعه به عمق ۶۰ متر ختم می‌گردد. گمان می‌رود به دلیل نیاز ساکنین اطراف قلعه به مصالح ساختمانی به‌ویژه آجر، مصالح آن به مرور زمان تخریب و به پایین‌دست منتقل شده است.

اما مهم‌ترین اتفاق در زمان حشمت‌الملک علم در سال ۱۲۹۴ هـ.ق افتاده که بیشتر و یا تمامی مصالح محدوده قلعه و حوض غلام‌کش به‌منظور ساخت بند دره در پایین‌دست کوه قلعه منتقل شده است. داستان یا افسانه‌ای که در مورد تخلیه آب این بنا

در بین مردم بیرجند نقل می‌شود را نیز می‌توان مربوط به این بنا و زمان نیاز به مصالح در ساخت بند دره دانست.

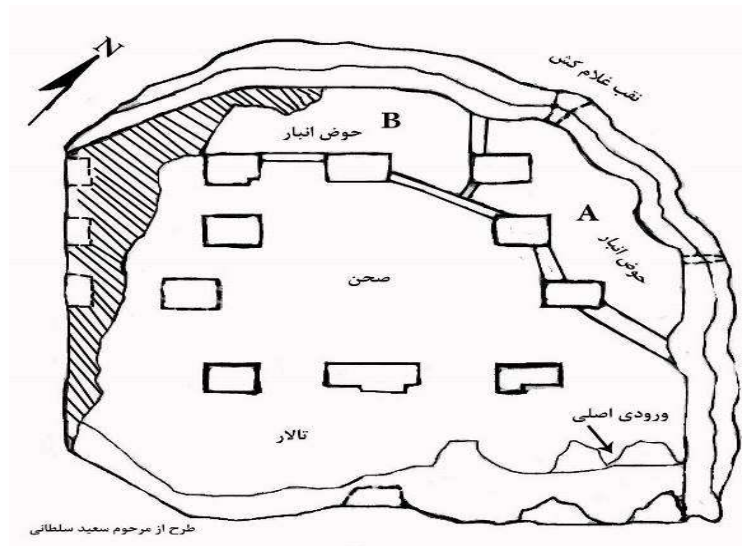
داخل بنا ۱۰ ستون مکعب مستطیل شکل از آجر و گچ، وجود دارد و ارتفاع هر کدامشان به ارتفاع دیوارهای موجود می‌رسد. تعداد ستون‌های این فضای معماری بعد از آواربرداری و پی‌کاوای سال ۱۳۸۷ به ۱۲ ستون افزایش پیدا کرد. این ستون‌ها با مصالح آجر، لاشه‌سنگ و ملات گچ ساخته شده است. در هسته ستون‌ها از سنگ‌های شکسته و نخاله استفاده شده که اطراف آن را با آجر نماسازی کرده‌اند. عرض دهانه طاق‌های پیرامونی فضا که به دیوار غربی متصل است، نزدیک به ۴ متر می‌باشد و ارتفاع ستون‌ها تا خیز طاق‌ها نزدیک به هفت متر و نیم است. روی اندود بیرونی این فضای معماری، نام‌های خانوادگی به صورت ناخوانا و دست و پا شکسته نوشته شده که همگی از زمان‌های نسبتاً اخیر به جامانده است. دیوار پیرامونی فضا نیز به شیوه قالبی و با لاشه‌سنگ ساخته شده است. (تصویر ۱۵)

زمانی که پیتر ویلی از قلعه بازدید کرد، در مورد این بخش از قلعه چنین نوشت: «اما من هرگز چنین آب‌انبار بزرگی یا آب‌انباری که با این همه ستون روی آن سقف زده باشند، ندیده بودم. بیشتر آب‌انبارهای بزرگی که دیده‌ام بدون ستون حامل روی آنها سقف زده بودند. تنها کاری که ما می‌توانستیم بکنیم آن بود که آنجا را اندازه‌گیری کنیم و عکس بگیریم. ما هیچ توضیح قانع‌کننده‌ای نیز از راهنمای موزه خودمان یا هر کس دیگر نشنیدیم. من پس از تفکر کامل بر آنم که این ساختمان یا دست‌کم بخشی از آن یک مخزن بزرگ آب بوده و آن تونل‌ها را پس از تسخیر قلعه ساخته‌اند تا مطمئن شوند هیچ‌گاه دیگر از آن به عنوان مخزن آب استفاده نمی‌شود، اما این فقط یک حدس و فرض است و من هیچ دلیلی برای آن ندارم.» (ویلی، ۱۳۸۶: ۲۶۲)

پژوهشی بر دژهای سده‌های میانه اسلامی خراسان جنوبی ۲۶۳



تصویر ۱۵: شیوه دیوارچینی در فضای معروف به حوض غلام‌کش. (نگارندگان، ۱۳۸۷)



تصویر ۱۶: کروکی محدوده معروف به حوض غلام‌کش (طرح از سعید سلطانی، ۱۳۸۵)

۴. بقایای معماری پیرامون باروی قلعه

تعداد دیگری از بناها که در ارتباط با قلعه دره هستند ولی در بیرون از باروی دژ و فضای عمومی آن ایجاد شده‌اند، عبارتند از: الف. حوض انبار؛ ب. جوی‌های انتقال آب؛ ج. آسیاب؛ د. برج نگهبانی؛ هـ. بقایای معروف به قلعه دختر؛ و. گورستان و محل برداشت خاک (خاک‌کن).

الف. حوض انبار: در بیرون از باروی جنوب شرقی قلعه کوه دره (حوض غلام‌کش) بقایای حوض انباری به شکل مستطیل شکل که سقف آن به طور کامل فروریخته، باقی مانده است. عمق این حوض انبار بیش از ۴ متر و عرض آن نزدیک به ۹ متر است. ورودی آن از جانب شمال شرقی بوده و با پلکانی سنگی به عرض ۱۵۰ سانتی‌متر به داخل حوض راه پیدا می‌کرده است. پلکان سنگی هم اکنون آسیب بسیاری دیده، ولی برخی از پله‌های نخستین آن، نسبتاً سالم باقی مانده‌اند. دیواره‌های بنا بیشتر با لاشه‌سنگ ساخته شده ولی در برخی قسمت‌های دیوار شمالی و شرقی و خصوصاً در ساخت سقف و پایه طاق‌ها، از مصالح آجر استفاده شده است. آجرهای استفاده شده برای ساخت این حوض انبار $۲۳ \times ۲۳ \times ۴$ سانتی‌متر می‌باشند. پوشش بنا طاق و تویزه بوده و مصالح آن که بیشتر آجر بوده را بعد از تخریب به طور کامل از محل خارج کرده‌اند و هیچ‌گونه پراکندگی مصالح در محل به جز برخی قطعات شکسته آجر دیده نمی‌شود. در کنار این حوض انبار یک فضای چهارگوش در ابعاد ۱۰۰×۱۰۰ سانتی‌متر ساخته شده که کاربری دقیقی برای آن نمی‌توان تعیین کرد، اما مرحوم فرقانی به نقل از دکتر ستوده آن را محل ذخیره روغن (؟) دانسته است. (فرقانی، ۱۳۸۱: ۳۵۰) ویلی نیز در توصیف این حوض انبار نوشته است: «مخزن آبی درون دیوار بیرونی ساخته شده که ۱۱ متر در ۱۴ متر است و در حال حاضر ۴/۵ متر هم عمق دارد. آن را با ساروج اندود کرده و بر روی آن طاق زده بوده‌اند». (ویلی، ۱۳۸۶: ۲۶۲؛ تصویر ۱۷ و ۱۸)



تصویر ۱۷ و ۱۸: حوض انبار خارج از دیوار شرقی و بنای مربع شکل کنار آن، دید از شمال شرق و جنوب غرب. (عکس از نگارندگان، ۱۳۸۷)

ب. جوی‌های انتقال آب: در جنوب قلعه درّه/غلام‌کش آثار و بقایای چشمه و نهری وجود دارد که این بقایای نه‌ر در سنگ کوه بریده شده و تاکنون بخش‌هایی از آن برجای مانده است. فرقانی نیز به وجود چشمه‌ای در جنوب قلعه اشاره کرده و می‌نویسد: «وجود آسیابی در قلعه و در بالای کوه نشان‌دهنده این است که قلعه‌نشینان آب را از بالای دره از محلی که امروز به نام حوزان خوانده می‌شود، به طرف آسیاب هدایت می‌کرده‌اند و

پس از استفاده از نیروی آن، به حوض انبار جلوی آسیاب می‌ریخته و پس از پرکردن آب‌انبارهای کناره جنوبی قلعه، مازاد آن به آب‌انبار شرقی قلعه یا حوض غلام‌کش کنونی می‌ریخته و بقیه آن به مصرف کشاورزی می‌رسیده است.» (فرقانی، ۱۳۸۱: ۳۵۰) آنچه که مشخص است اینکه، بخشی از بقایای جوی انتقال آب در شرق تنوره آسیاب جوی آب چشمه و در غرب تنور در بخش‌های بالایی آسیاب بقایای جوی‌هایی به چشم می‌خورد. بقایای این جوی به صورت بقایای تراش‌خورده در صخره به خوبی مشخص است. (تصویر ۱۹ و ۲۰)



تصویر ۱۹ و ۲۰: بقایای جوی‌های انتقال آب از چشمه حوزان (عکس از نگارندگان، ۱۳۸۷)

ج. آسیاب: بنای دیگری که خارج از محدوده قلعه قرار گرفته، آسیابی است که در فاصله ۳۰۰ متری باروی شرقی قلعه قرار دارد. بخش بار و اتاق کار بنا، تخریب و تنها تنوره این آسیاب برجای مانده است. ارتفاع باقی‌مانده از این تنوره بیش از ۴ متر، عرض داخلی

پژوهشی بر دزهای سده‌های میانه اسلامی خراسان جنوبی ۲۶۷

آن بیش از ۱ متر و ضخامت دیواره آن نیز نزدیک به ۴۰ سانتی متر است که البته این اندازه‌ها در بخش‌های مختلف آن تا حدودی متفاوت هستند. (تصویر ۲۱) مصالح بنا لاشه‌سنگ، ملات گچ و ساروج است. همان‌طور که پیشتر گفته شد، آبی که وارد تنوره و باعث چرخش سنگ آسیاب می‌شده از چشمه‌ای در ۵۰۰ متری جنوب آن تامین می‌شده و بقایای این جوی‌های انتقال آب را بر بدنه صخره‌ها می‌توان دید. این جوی‌های انتقال در برخی قسمت‌های مسیر خود با لاشه‌سنگ و ملات گل زیرسازی شده‌اند. (تصویر ۲۲)



تصویر ۲۱: تنوره آسیاب. تصویر ۲۲: یکی از جوی‌های کنده شده در کوه جهت تأمین آب آسیاب. (عکس از

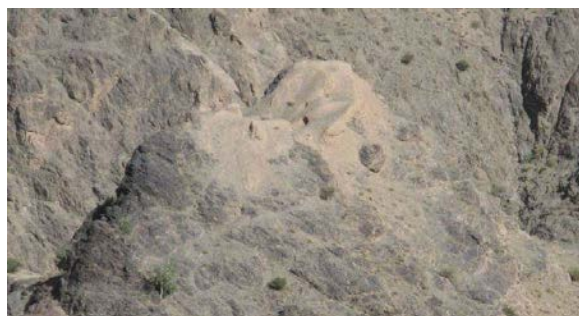
نگارندگان، ۱۳۸۷)

د. برج نگهبانی: این برج در قسمت شمال شرقی قلعه و در محل تلاقی دو کوه و گردنه‌ای است که از شرق به دره معروف به چارده و از غرب به دره شمالی قلعه راه پیدا می‌کند. به دلیل شیب تند مسیر ورود به قلعه از این بخش، تردد در این مسیر برای استفاده ساکنان از این برج با مشکلاتی همراه بوده است. شاید در گذشته راهی برای دسترسی به زمین‌های کشاورزی و روستاهای این دره بوده است. (تصویر ۲۳ و ۲۴) لازم به ذکر است که دسترسی به بخش‌های بالاتر دره چارده از مسیر چشمه حوزان از جنوب شرق قلعه نیز امکان‌پذیر است. به نظر می‌رسد، برجی که در این قسمت بنا شده و در حال حاضر، بنای آن به‌طور کامل تخریب شده و فقط بخش‌های اندکی از پی بنا قابل مشاهده است، به‌منظور نگاهبانی و کنترل مسیر و حملات احتمالی در این بخش بوده که از دو دره شرقی و غربی صورت می‌گرفته و به مانند یک قراولخانه عمل می‌کرده است.



تصویر ۲۳ و ۲۴: محل برج نگهبانی شمال شرقی قلعه. دید از شمال و جنوب. (نگارندگان ۱۳۸۷)

همه بقایای معروف به قلعه دختر: در شمال غربی قلعه و در کوه شمال غربی آن که در شمال بند دره واقع شده، بقایای یک سازه معماری با مصالح خشت و گل به چشم می‌خورد. این سازه خشتی با توجه به فرسایش بسیاری که داشته دارای کاربری نامشخصی بوده و با توجه به اینکه در مکانی بین بند و قلعه دره قرار گرفته، توجه چندانی به آن نشده و تنها بقایای اندکی از این سازه خشت و گلی برجای مانده است. (تصویر ۲۵ و ۲۶) به نظر می‌رسد که این ساختار خشتی، برجی جهت نگهداری بر سر راه ورود به دره بوده است. از این دژ هیچ گونه داده سطحی به دست نیامده است و نمی‌توان تاریخ دقیقی را برای آن مشخص کرد، اما این گمان وجود دارد که بخشی از ساختار دفاعی قلعه دره باشد و به عنوان دژ محافظت‌کننده ورودی دره عمل کند. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که با توجه به نام‌گذاری و شهرت این ساختار خشتی به نام قلعه دختر، شاید بنا مبنا و پیشینه‌ای از دوران تاریخی داشته باشد که اسماعیلیه اقدام به بازسازی آن کرده‌اند. (مدرسی و سیفی، ۱۳۹۱)



تصویر ۲۵ و ۲۶: بقایای سازه خشتی معروف به قلعه دختر. دید از قلعه دره و دید از جنوب غرب. (نگارندگان، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۴)

و.گورستان: در بخش شرقی کوهی که قلعه بر آن ایجاد شده و در شمال شرق حوض انباری که در بیرون باروی قلعه در مسیر ورودی قلعه واقع است، بقایایی از توده‌های سنگ و آجر در محل به چشم می‌خورد که تعداد اندکی از این توده‌ها در گذشته توسط قاچاقچیان تخریب و حفاری شده است. گمان می‌رود این بقایا مربوط به گورستان یا گورهایی در پیوند با این قلعه اسماعیلی باشد که بیشتر تدفین‌ها در این گونه قلعه‌ها را به صورت چاله‌ای دفن می‌کرده‌اند. برای ساخت این گورهای چاله-ای با توجه به شواهد از آجر و سنگ استفاده می‌کرده‌اند. (تصویر ۲۷ و ۲۸)



تصویر ۲۷ و ۲۸: بخش معروف به گورستان و بقایای یک گور (نگارندگان، ۱۳۸۷)

ز. محل برداشت خاک (خاک‌کن): در بیشتر مناطق ایران به منظور ضدآب کردن یا عایق‌سازی پشت‌بام، به‌طور معمول از خاک یا گلی که برای ساخت دیوارها استفاده می‌شود، به کار نمی‌برند. لذا بدین منظور خاک یا گلی به کار برده می‌شود که در منطقه به منظور عایق‌سازی بام‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنتونیت ماده‌ای است که برای این منظور امروزه نیز برای ساخت لایه روی کاشی پرکاربرد است. در قلعه غلام‌کش بند دره بیرجند و در جنوب شرق کوه قلعه و جنوب مکانی که تنوره آسیاب قرار گرفته، در مسیر چشمه حوزان برون‌زد یا رخنمونی از ماده معدنی بنتونیت به رنگ آبی به چشم می‌خورد. بررسی محل و تصاویر هوایی نشان از برداشت خاک از این قسمت دارد. گمان می‌رود با توجه به این‌که این نوع خاک که در منطقه با نام توروس یا خاک زد شناخته می‌شود و برای عایق‌سازی کاربرد دارد، برای این منظور در قلعه استفاده شده است. (تصویر ۲۹)



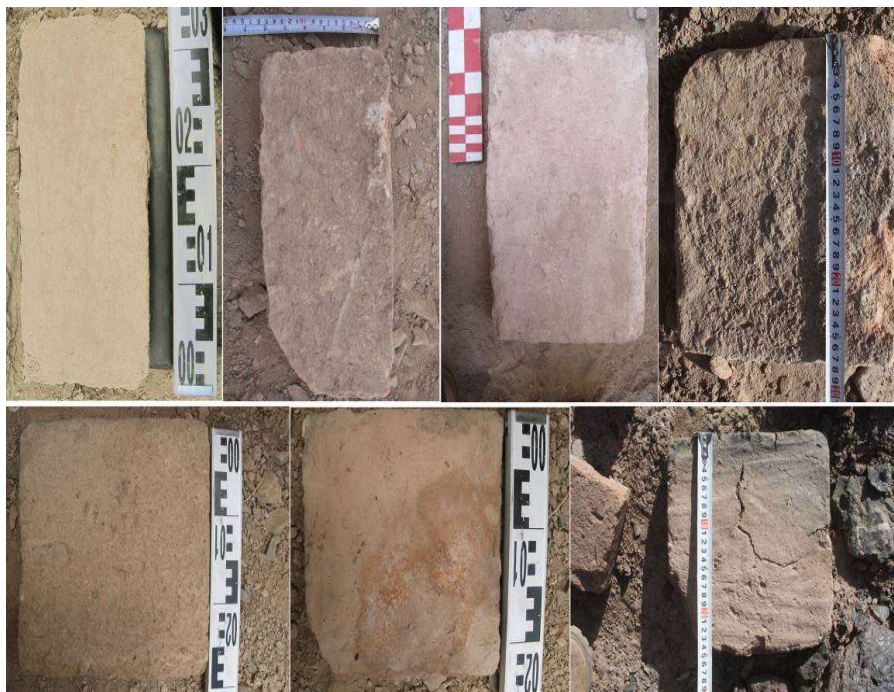
تصویر ۲۹: مکان برداشت خاک جهت اندود فضاهای معماری قلعه غلام‌کش در جنوب شرقی قلعه. (عکس

از نگارندگان، ۱۳۸۷)

۵. معرفی یافته‌های به‌دست آمده از قلعه

وسعت بسیار زیاد قلعه، بخش زیادی از ارتفاعات بین دو منطقه معروف به بند درّه و چارده بیرجند را در بر گرفته و این وسعت زیاد باعث پراکندگی یافته‌های سطحی در محدوده گسترده‌ای از این بلندی‌ها و دره‌های پیرامون شده است. چرا که جابه‌جایی و انتقال یافته‌های منقول در محدوده قلعه و پیرامون توسط کوهنوردان، کوچ‌روها و کسانی که قصد بازدید از قلعه را داشته‌اند به پیرامون و یا واریزه این یافته‌ها از بالای کوه به داخل درّه و یا آبستگ‌ها در ارتفاعات و درّه‌های پیرامون باعث انتقال داده‌هایی از محدوده قلعه به پیرامون شده است. این یافته‌ها بیشتر شامل آجر، سفال و ... می‌شود. علاوه بر این در برنامه آواربرداری که در سال ۱۳۸۷ به منظور شناخت معماری بخش‌هایی از بنای معروف به غلام‌کش به انجام رسید، مواد فرهنگی دیگری علاوه بر یافته‌های سطحی شناسایی گردید.

آجر: بیشتر ساختارهای قلعه غلام‌کش با لاشه‌سنگ، ملات گل، خشت و آجر ساخته شده است. دیوارهای اصلی و بیرونی بارو و اصلی قلعه با لاشه‌سنگ، ملات گل و گچ نیم‌کوب ساخته شده و دیوارهای داخلی فضاهای معماری با خشت، لاشه‌سنگ و در مواردی از آجر استفاده کرده‌اند. بیشترین کاربرد آجر در قلعه درّه یا غلام‌کش برای ایجاد سقف و پوشش‌های ضربی استفاده شده است. البته از لاشه‌سنگ و به صورت قالبی نیز استفاده می‌شده است. با وجود این، پراکندگی آجر در سطح قلعه بسیار اندک می‌باشد. مهم‌ترین دلیلی که برای این موضوع مطرح بوده و اسنادی نیز برای آن وجود دارد، این است که محمدابراهیم‌خان شوکت‌الملک از این آجرها برای ساخت بند درّه در پای کوه قلعه درّه استفاده کرده که بقایای این موضوع نیز در محدوده شمال غربی و بقایای ریختن آجرها از بالای کوه به پایین مشخص است. اندازه آجرهای شناسایی شده از سطح قلعه غلام‌کش عبارت‌اند از، ۲۶×۲۶، ۲۵×۲۵، ۲۸×۲۸، ۲۲×۲۲، ۲۶×۱۸، ۲۴×۱۸، ۱۶×۳۲ سانتی‌متر. (تصویر ۳۰)



تصویر ۳۰: نمونه آجرهای به دست آمده از قلعه (نگارندگان، ۱۳۸۷ و ۱۴۰۲)

آجر با نقش چلیپا: این قطعه آجر از فضای موسوم به غُلم‌کش در انتهای شمالی قلعه و در زمان آواربرداری فضا به دست آمد. بخشی از آجر دچار شکستگی و همین‌طور فرسودگی شده اما نقش بر روی یک آجر کامل به صورت استامپی اجرا شده است. هر بازوی این چلیپا نزدیک به ۲ سانتی‌متر طول و ۱ سانتی‌متر عرض دارد. (تصویر ۳۱)

کاشی: تنها یک قطعه کاشی از محدوده قلعه حوض غلام‌کش و در هنگام آواربرداری مورد شناسایی قرار گرفته که بخشی از یک کاشی با لعاب فیروزه‌ای روشن است که لعاب آن دچار ترک‌خوردگی‌های ریزی است و در حاشیه آن سوراخی وجود دارد که وجود آن عمدی به نظر می‌آید. (تصویر ۳۲) لبه‌های این کاشی دچار فرسودگی شده و نشان از جابه‌جایی نسبتاً زیاد آن دارد. از لحاظ تاریخ‌گذاری قدمت این گونه کاشی‌های فیروزه‌ای از قرن ششم و اوج آن مربوط به دوران تیموری به‌ویژه نیمه شرقی ایران است

که نمونه‌های مشابه آن را در مسجد ملک زوزن خواف (بلر، ۱۳۸۷ و کاظم پور و همکاران، ۱۴۰۲) و مساجد خراسان دوره تیموری می‌توان معرفی کرد. (اوکین، ۱۳۸۶)



تصویر ۳۱ و ۳۲: آجر و کاشی به دست آمده از فضای معماری معروف به غلامکش (عکس از نگارندگان، ۱۳۸۷)

سفال: سفال فراوان‌ترین یافته منقول در هر محوطه باستانی بوده و با وجود رفت و آمد بسیار زیاد بازدیدکنندگان در قلعه غلامکش، پراکنش سفال بر سطح این اثر قابل ملاحظه است. سفال‌های به دست آمده از سطح قلعه و آواربرداری سال ۱۳۸۷ بیشتر چرخ‌ساز بوده و سفالینه‌های دست‌ساز نیز کم نیستند. مجموعاً تعداد ۱۹۰ قطعه سفال از محدوده فضای معماری معروف به حوض غلامکش در این مقاله مورد مطالعه قرار گرفته که برخی سفالینه‌های سطحی را نیز شامل می‌شود. این سفالینه‌ها را به دو گروه لعاب‌دار و بی‌لعاب می‌توان تقسیم‌بندی کرد.

سفال بدون لعاب: تعداد اندکی از سفالینه‌های بدون لعاب دست‌سازند ولی بیشتر این سفالینه‌ها با چرخ ساخته شده‌اند. خمیره غالب این سفالینه‌ها قرمز است اما در میان سفال‌ها گونه‌هایی با خمیره نخودی و خمیره سنگی نیز دیده می‌شود. رنگ بیرونی سفال‌ها

در دو رنگ قرمز و نخودی می‌باشند و آمیزه سفالینه‌ها را مواد معدنی تشکیل می‌دهد. فرم ظروف بیشتر کاسه، کوزه تنگ و ظروف در اشکال کوچک هستند و کمتر ظروف در اندازه بزرگ را می‌توان در بین آنها مشاهده کرد.

سفال با نقش کنده: بیشتر سفالینه‌های بدون لعاب دارای تزئین کنده هستند که این نقوش بر روی ظروف با فرم‌های مختلف اجرا شده‌اند. این نقوش شامل نقوش نواری یا افقی موازی، موجی شانه‌ای، هندسی، ناخنی زیگزاگ یا ترکیبی از آنها بر روی ظروف مختلف است. این نقوش بیشتر در زیر لبه و یا بر روی شانه ظرف و در موارد اندکی بر روی لبه یا دسته اجرا شده‌اند. (تصویر ۳۳)



تصویر ۳۳: نمونه سفالینه‌های نقش کنده (نگارندگان)

نقوش افزوده: تعداد پنج قطعه سفال نقش‌افزوده در بین سفالینه‌ها شناسایی شد. دو نمونه از این نقش‌افزوده‌ها، باندهای گلی است که بر روی ظرف اجرا شده و بر روی آنها نیز دایره یا نیم‌دایره‌های کوچک به صورت فشاری نقش شده‌اند. مشابه این شیوه تزئین در محوطه‌های دوران اسلامی شهرستان خوسف نیز مورد شناسایی قرار گرفته است. (Sedighian, 2023: 38) یک نمونه سفال نیز با نقش افزوده طنابی نیز در بین

سفالینه‌ها به چشم می‌خورد و در سراسر این نقش طنابی تزیینات فشاری دیده می‌شود.
(تصویر ۳۴)



تصویر ۳۴: نمونه سفالینه‌های نقش افزوده و قالبی (عکس از نگارندگان، ۱۳۸۷)

نقش قالبی: تنها یک قطعه سفال قالبی از سطح قلعه شناسایی شده که به دلیل کوچک بودن، نقوش روی آن قابل تشخیص نیست. (تصویر ۳۴) این قطعه سفال، تنها محل پیوند دو بخش بالایی و پائینی قالب ظرف است که نشانه‌های قالبی بودن آن بر روی سفال به دست آمده، دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که نقش بین دو نوار برجسته قرار گرفته است. نمونه‌های سفال قالب‌زده یا قالبی در بیشتر محوطه‌های سده‌های میانه اسلامی خراسان جنوبی شناسایی شده است. (فرجامی و محمودی‌نسب، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷ منتشر نشده؛ چمن‌آرا و فرجامی، ۱۳۹۱؛ انوری‌مقدم و همکاران، ۱۴۰۰)

نقوش فشاری: تعدادی از سفالینه‌های بدون لعاب سطحی و برخی از سفالینه‌های به دست آمده از آواربرداری قلعه، دارای نقوش فشاری بودند. این نقوش به صورت انگشتی و نقطه‌ای و یا ناخنی ایجاد شده‌اند. نقوش فشاری معمولاً بر شانه و یا زیر لبه به کار رفته‌اند و به صورت ترکیبی با سایر نقوش اجرا شده‌اند. (تصویر ۳۵)

پژوهشی بر دزهای سده‌های میانه اسلامی خراسان جنوبی ۲۷۷



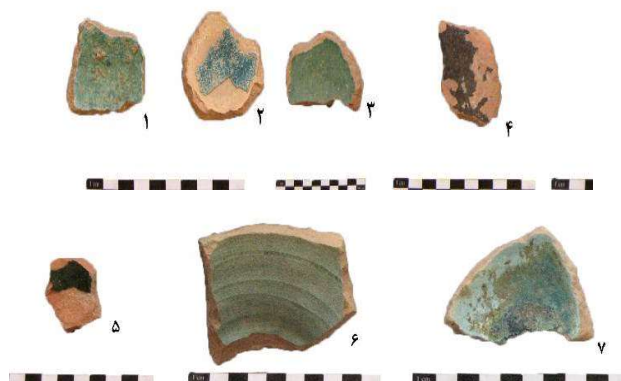
تصویر ۳۵: نمونه سفالینه‌های با نقش فشاری (عکس از نگارندگان، ۱۳۸۷)

سفال بدون لعاب منقوش: با وجود رواج این گونه سفالی در محوطه‌های قرون میانه اسلامی خراسان جنوبی تنها یک نمونه از این سفالینه‌ها به دست آمده است. (تصویر ۳۶) نقش روی این سفال نامشخص و محو است و به نظر می‌رسد بر روی شانه یا در کنار لوله و دسته طرف نقش شده است. این سفالینه‌ها دست‌ساز بوده و به مانند سفالینه‌های پیش از تاریخ دارای نقوش قرمز هندسی بر روی ظرف است. این گونه سفالی تقریباً در بیشتر محوطه‌های باستان‌شناسی سده‌های میانه اسلامی خراسان جنوبی شناسایی شده است. (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱؛ فرجامی و محمودی‌نسب، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷ منتشر نشده)



تصویر ۳۶: نمونه سفالینه با نقاشی روی سفال/ تصویر ۳۷: نمونه سفال با تزئین مرصع (نگارندگان)

سفال لعاب‌دار: تعداد دیگری از سفالینه‌های قلعه غلام‌کش شامل سفالینه‌های لعاب‌دار تک‌رنگ می‌شود. سفال‌های به دست آمده با لعاب‌های آبی فیروزه‌ای سبز و شفاف و همین‌طور لعاب سبزآبی و قهوه‌ای قابل تفکیک هستند. ظروف لعاب‌دار اغلب قطعات مربوط به فرم‌های کاسه و تنگ و ظروف در اندازه کوچک را شامل می‌شوند. خمیره غالب این ظروف، قرمز رنگ و همگی چرخ‌ساز هستند. (تصویر ۳۸)



تصویر ۳۸: نمونه سفالینه‌های لعاب‌دار تک‌رنگ (نگارندگان)

لعاب‌دار تک‌رنگ منقوش: چند قطعه از این گونه سفالینه‌های لعاب‌دار، دارای نقش هستند که این نقوش در زیر و یا روی لبه و یا در داخل ظرف به اجرا درآمده‌اند. (تصویر ۳۹) این دسته از سفالینه‌ها را در گروه سفال‌های لعاب‌دار فیروزه‌ای با نقش قلم‌مشکی می‌توان قرار داد. بیشترین تعداد سفالینه‌های لعاب‌دار به دست آمده از قلعه غلام‌کش، از گونه سفالینه‌های لعاب‌دار فیروزه‌ای قلم‌مشکی هستند که از بیشتر محوطه‌های سده‌های میانی استان خراسان جنوبی مربوط به قرون هفتم و هجری شناسایی شده‌اند. (انوری مقدم و همکاران، ۱۴۰۰) خمیره این سفالینه‌ها تماماً از گل رُس با کیفیتی متوسط است. پخت همگی آنها کافی و با آمیزه کانی ساخته شده‌اند. این سفالینه‌ها قابل مقایسه با بیشتر سفالینه‌های لعاب‌دار با نقش سیاه در محوطه‌های شناخته‌شده، چون قلعه سنگ کرمان

پژوهشی بر دزهای سده‌های میانه اسلامی خراسان جنوبی ۲۷۹

(امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۹: ۱۷۰)، انداجین (محمدی و رضائی، ۱۳۹۹: ۱۵۵ و محمدی و رضائی، ۱۴۰۰: ۱۰۳)، زینوآباد (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۵)، مالین (موسوی حاجی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶) و تهیق (شراهی و صدیقیان، ۱۳۹۸: ۱۵۰) هستند.



تصویر ۳۹: نمونه سفالینه‌های لعاب‌دار تک‌رنگ منقوش (عکس از نگارندگان، ۱۳۸۷)

سفال مرصع: در حین عملیات آواربرداری در حوض‌انبار بخشی از دسته یک ظرف سفالی که با تکنیک مرصع تزیین شده بود، به دست آمد. تزیینات این قطعه شامل ۱۲ نگین لعابی به رنگ فیروزه‌ای بر روی دسته است که شامل دو ستون شش یا پنج تایی از این قطعات فیروزه‌ای می‌شود. (تصویر ۳۷)

تنبوشه: از جمله یافته‌های سطحی مربوط به ارگ قلعه، تعدادی تنبوشه سفالی شکسته است که از یک چاله حفاری قاچاق به دست آمده است که قاعدتاً برای زهکشی یا انتقال آب یا فاضلاب در بخش ارگ مورد استفاده بوده است. (تصویر ۴۰)

پاشنه در: یک قطعه آجر که نشانه‌های تراش بر سطح آن به چشم می‌خورد نیز در حین عملیات آواربرداری حوض غلام‌کش به دست آمد. بخشی از آجر دچار شکستگی شده ولی نشانه‌های فرسودگی در اطراف و محل تراش، نشان استفاده زیاد از آن است. (تصویر

(۴۱)



تصویر ۴۰ و ۴۱: پاشنه در و تپوشه به دست آمده از قلعه غلامکش (نگارندگان، ۱۳۸۷)

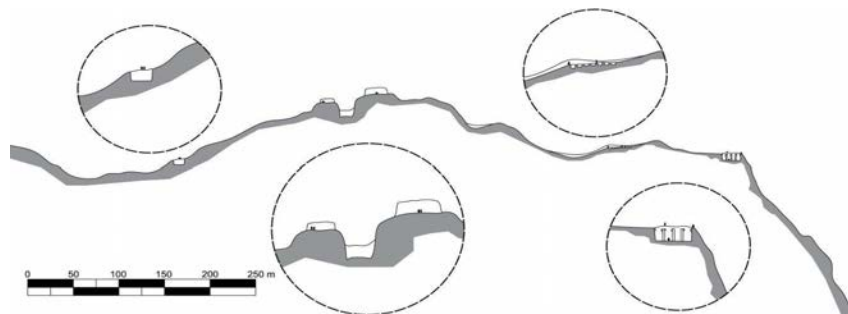
ظروف سنگی: تنها دو قطعه لبه ظرف سنگی از سطح و عملیات آواربرداری قلعه به دست آمده که دارای نقش‌هایی بر روی لبه و بدنه هستند. نقش‌های روی لبه با عمق اندکی نقر شده‌اند ولی نقش‌های نقر شده ظرف دیگر شامل نقوش هندسی لوزی شکل است که به صورت نواری و عمودی بر بدنه ظرف نقش بسته است. (تصویر ۴۲)



تصویر ۴۲: قطعات ظروف سنگی به دست آمده از قلعه غلامکش (نگارندگان، ۱۳۸۷)

۶. تاریخ‌گذاری و قدمت بنا

در مورد تاریخ‌گذاری و دوره زمانی استفاده از بنای موجود، می‌توان گفت که این بنا، یک بنای تک‌دوره‌ای متعلق به دوران میانه اسلامی (سلجوقی-اسماعیلی) و مربوط به قرون ششم تا هفتم هجری است که عمده یافته‌های به دست آمده از فضاهای معماری قلعه، این مطلب را تأیید می‌کند. اما به میزان بسیار اندکی در برخی قسمت‌های قلعه کوه، قطعه سفال‌های فیروزه‌ای دوره‌های متاخر نیز به چشم می‌خورد که حکایت از آن دارد که از دوره تیموری به بعد که احتمال حمله مهاجمان ترکمن یا بلوچ در این منطقه وجود داشته، اهالی منطقه به قلعه پناه آورده‌اند. چنان که در یکی از قلاع منطقه (قلعه ناصری القور) کتیبه‌ای متعلق به این دوره وجود دارد که مردم برای حفظ جان خود از دست ترکمانان به قلعه پناه آورده‌اند. (فرجامی، ۱۳۹۹: ۱۰۰) البته این اقامت‌ها کوتاه‌مدت بوده و آثار آن‌چنانی از خود بر جای نگذاشته‌اند.



تصویر ۴۳: نمای کلی یا چیدمان قرارگیری سازه‌ها و فضاهای معماری بر روی کوه قلعه بنددره/غلامکش (طرح از محمدعلی بزرگمهر، ۱۴۰۲)

۷. نتیجه گیری

اسماعیلیان در قهستان مجموعه‌ای از استحکامات دفاعی ایجاد کردند که این ساختارهای دفاعی بسیار پیوسته می‌توانسته آنها را در برابر قدرتمندترین قدرت و حکومت آن روزگار، یعنی سلاجقه شکست‌ناپذیر کند. قلعه درّه یا حوض غلامکش یکی از سازه‌های دفاعی اسماعیلیه در بلندای رشته‌کوه باغران و ارتفاعات جنوبی بیرجند است. این ساختار دفاعی به‌عنوان یکی از دژهای اصلی پشتیبانی‌کننده و یا درجه دوم اسماعیلیان در منطقه ایفای نقش کرده و به‌عنوان یک ساختار دفاعی و خدماتی در ارتباط با سایر دژهای اسماعیلی در محدوده قهستان عمل می‌کرده است؛ چرا که تأسیسات آبرسانی و خدماتی در بخش‌هایی از آن مورد شناسایی قرار گرفته و این تأسیسات می‌توانسته آنان را در بر حملات دشمن مقاوم و ایمن سازد. این دژ را می‌توان یکی از دژهای مهم و دسته دوم اسماعیلیان در قهستان دانست. (تصویر ۴۳) یافته‌های به دست آمده از این قلعه اسماعیلی نشان از اهمیت و نقش آن در برهم‌کنش‌های منطقه‌ای و همین‌طور نقش پشتیبانی‌کننده دژهای اسماعیلی در پیرامون بوده است. سکونت در این قلعه، به نظر می‌رسد در بین قرون ششم تا هشتم هجری در جریان بوده و بعد از آن به مرور این قلعه متروک شده است.

پژوهشی بر دزهای سده‌های میانه اسلامی خراسان جنوبی ۲۸۳

سپاسگزاری: بر خود لازم می‌دانیم از تمامی همکاران و دوستان در میراث فرهنگی خراسان جنوبی که در فرایند این پژوهش همکاری لازم را داشتند، قدردانی نماییم. از سرکار خانم پریسا پیروزی به خاطر طراحی سفال‌ها سپاسگزاریم.

سهم نویسندگان: میزان مشارکت نویسندگان در روند نوشتن مقاله ۶۰ به ۴۰ درصد است. **تضاد منافع:** بخشی از کار که شامل برنامه آواربرداری در محدوده فضای مشهور به غلامکش است، با حمایت مالی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی به انجام رسیده است.

کتاب‌نامه

امیرحاجلو و صدیقیان، حسین (۱۳۹۹)، «مطالعه باستان‌شناختی سفال‌های دوران اسلامی محوطه‌ی قلعه سنگ؛ شهر قدیم سیرجان»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۵، دوره ۱۰، صص: ۱۸۵-۱۵۵.

انوری مقدم، امیر؛ فرجامی، محمد؛ محمودی‌نسب، علی اصغر و سروش، محمدرضا (۱۴۰۰)، «گونه‌شناسی، سفال‌های نقش‌افزوده قلعه‌کوه قاین»، نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، دوره ۲۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰، صص. ۸۹-۱۰۰. اوکین، برنارد (۱۳۸۶)، معماری تیموری در خراسان، ترجمه علی آخشینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

بلر، شیلا (۱۳۸۷)، «مدرسه زوزن: معماری اسلامی در شرق ایران در سحرگاه تهاجم مغول»، ترجمه میثم جلالی، تاریخ پژوهی، شماره ۳۶ و ۳۷، صص. ۱۵۲-۱۲۹.

جانفدا، مجتبی (۱۳۹۸)، بررسی مولفه‌های دفاع غیرعامل قلاع شاخص منسوب به اسماعیلیان در خراسان جنوبی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی به راهنمایی سامان فرزین در گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر دانشگاه بیرجند، منتشر نشده.

جوینی، علاءالدین عظاملک بن بهاءالدین محمد بن محمد (۱۳۹۱)، تاریخ جهانگشای جوینی - سه جلد در یک مجلد، مصحح محمد قزوینی، تهران: نگاه.

چمن‌آرا، هادی و فرجامی، محمد (۱۳۹۱)، «بررسی گونه‌های سفالی دوره سلجوقی نمونه موردی: قلعه کوه حسین قاپنی»، همایش ملی هنر اسلامی، بیرجند، دانشکده هنر دانشگاه بیرجند.

حیدری، احمد (۱۳۹۱)، گزارش مقدماتی بررسی و شناسایی آثار و مکان‌های فرهنگی بخش مرکزی شهرستان بیرجند، بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان خراسان جنوبی، منتشر نشده.

رضایی، جمال (۱۳۸۱)، بیرجندنامه، به اهتمام محمود رفیعی، چاپ اول، تهران: هیرمند. رضائی، محمد؛ ایرانشاهی، عباس و تبریزی، امیرحسین (۱۳۸۳)، دژهای باستانی کومش حلقه اتصال اساطیر و تاریخ، اثر، شماره ۳۶ و ۳۷، صص. ۱۱۱-۱۳۵.

شراهی، اسماعیل و صدیقیان، حسین (۱۳۹۸)، «مطالعه‌ی باستان‌شناختی سفال‌های قرون میانی اسلامی دست‌کند زیرزمینی تهیق خمین»، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، شماره ۸، سال سوم، صص ۱۵۸-۱۴۱.

صدیقیان، حسین و غلامی، حسین (۱۳۹۱)، «سفال اسلامی منقوش بدون لعاب (شبه پیش از تاریخ) ایران»، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، شماره ششم و هفتم، صص. ۱۳۴-۱۴۲.

فرجامی، محمد (۱۳۸۷)، گزارش آواربرداری قلعه حوض غلام‌کش، بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی خراسان جنوبی.

فرجامی، محمد (۱۳۹۹)، دژهای کوهستانی قرون میانی اسلامی در خراسان جنوبی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، منتشر نشده.

فرجامی، محمد، محمودی‌نسب، علی اصغر (۱۳۹۳)، فصل دوم کاوش باستان‌شناختی محوطه کهنک سربیشه - خراسان جنوبی، بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی، منتشر نشده.

پژوهشی بر دزهای سده‌های میانه اسلامی خراسان جنوبی ۲۸۵

فرجامی، محمد، محمودی‌نسب، علی اصغر (۱۳۹۴)، فصل سوم کاوش باستان‌شناختی محوطه کهنک سریشه- خراسان جنوبی، بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی، منتشر نشده.

فرجامی، محمد، محمودی‌نسب، علی اصغر (۱۳۹۵)، فصل چهارم کاوش باستان‌شناختی محوطه کهنک سریشه- خراسان جنوبی، بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی، منتشر نشده.

فرجامی، محمد، محمودی‌نسب، علی اصغر (۱۳۹۶)، فصل پنجم کاوش باستان‌شناختی محوطه کهنک سریشه- خراسان جنوبی، بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی، منتشر نشده.

فرجامی، محمد، محمودی‌نسب، علی اصغر (۱۳۹۷)، فصل ششم کاوش باستان‌شناختی محوطه کهنک سریشه- خراسان جنوبی، بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی، منتشر نشده.

فرقانی، محمدفاروق (۱۳۸۱)، تاریخ اسماعیلیان قهستان، چاپ اول، تهران: انتشارات آثار و مفاخر فرهنگی.

فرقانی، محمدفاروق (۱۳۸۶)، تاریخ اسماعیلیان قهستان، چاپ دوم، تهران: انتشارات آثار و مفاخر فرهنگی.

کاشانی، جمال‌الدین ابوالقاسم عبدالله (۱۳۶۶)، زبده‌التواریخ، بخش فاطمیان و نزاریان، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

کاظم‌پور، مهدی؛ اکبری، رضا و عبداللهی‌فرد، ابوالفضل (۱۴۰۲)، «مطالعه و واکاوی نقش- مایه‌های آجری در مسجد-مدرسه ملک زوزن شهرستان خواف»، پژوهشنامه خراسان بزرگ، شماره ۵۰، صص. ۹۱-۱۲۴.

محمدی، مریم و رضائی، مصطفی (۱۳۹۹)، «مطالعه تاریخی و باستان‌شناسی محوطه اسلامی انداجین همدان»، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹، صص. ۱۴۰-۱۵۹.

- محمدی، مریم و رضائی، مصطفی (۱۴۰۰)، «بررسی و تحلیل گونه‌شناسی سفال‌های محوطه انداجین دشت همدان در ادوار سلجوقی و ایلخانی»، *مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی*، شماره ۳، پائیز و زمستان ۱۴۰۰، صص. ۹۵-۱۱۶.
- محمدی، مریم و شعبانی، محمد (۱۳۹۵)، «معرفی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی محوطه زینوآباد بهار همدان»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، شماره ۱۱، دوره ششم، پائیز و زمستان ۱۳۹۵، صص. ۱۵۰-۱۳۵.
- مدرسی، فاطمه و سیفی، نسرین (۱۳۹۱)، «قلعه دختر»، *مطالعات ایرانی*، سال یازدهم، ش. ۲۱، صص. ۲۴۵-۲۲۳.
- مقدسی، أبو عبدالله محمد بن أحمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم* «ب۲». ترجمه علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- موسوی‌حاجی، سیدرسول؛ خدادوست، جواد؛ تقوی، عابد و پورعلی یاری گوکی، شهین (۱۳۹۶)، «بررسی و مطالعه‌ی تحلیلی سفالینه‌های محوطه‌ی مالین شهرستان باخرز خراسان رضوی»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، شماره ۱۳، دوره هفتم، تابستان ۱۳۹۶، صص. ۱۷۲-۱۵۷.
- نصرآبادی، علیرضا (۱۳۸۱)، *گزارش پیشنهاد ثبت اثر تاریخی قلعه حوض غلام‌کشر، بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی*. نصرآبادی، علیرضا (۱۳۹۱)، *قلعه‌های تاریخی خراسان جنوبی*، چاپ اول، تهران: فکر بکر.
- ویلی، پیتر (۱۳۸۶)، *آشنایان عقاب، قلعه‌های اسماعیلی در ایران و سوریه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- هاجسن، مارشال گودوین سیمز (۱۳۶۸)، *دولت اسماعیلیه (نزاریان ایران)*، *اسماعیلیان در تاریخ*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۸۱)، *جامع‌التواریخ اسماعیلیان و فاطمیان*، مصحح محمدتقی دانش‌پژوه و محمد مدرسی، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.

Sedighian H.(2023). "Distribution and Diversity of Islamic Ceramic Types at Archaeological Sites of Khusf County", *Iranian Journal of Archaeological Studies*, 2023, Vol. 13, No.1, pp. 37-50.

Google earth

پی‌نوشت

- ^۱ - این قلعه با نام‌های قلعه بنددره، قلعه حوض غلام‌کش، قلعه غلم‌کش و بیشتر با عنوان کلی غلم‌کش شناخته می‌شود. به همین دلیل در بخش‌های مختلف پژوهش به تناوب از آنها استفاده شده است. (نگارندگان)
- ^۲ - ویلی روایت دیگری را به نقل از آقای جامباز، مباشر اسدالله علم نقل کرده: « هنگامی که مخزن آب را می‌ساختند، غلام بیچاره‌ای در آن تصادفاً یا به عمد غرق شده بود». (ویلی، ۱۳۸۶: ۲۶۳)
- ^۳ - به‌طور کلی قلاع اسماعیلی در منطقه جنوب خراسان (قهبستان) را در سه سطح یا جایگاه از نظر اندازه/وسعت و تأسیساتی که داشته‌اند، می‌توان تقسیم‌بندی کرد:
 - قلعه‌های درجه یک/وسیع (مجموعه دفاعی): دژهای اصلی و مهم در خراسان جنوبی را در بر می‌گیرند که معمولاً شامل سازه‌های دفاعی طبیعی هستند که سه سازه دفاعی مهم را در منطقه شامل می‌شوند و دژهای شاه‌دژ، کوه قلعه فردوس، قلعه خراوان طبس، قلعه کل حسن صباح، قلاع کافران و مسلمانان گرسک، قلعه کوه آبیز جزو این گروه از قلعه‌ها به حساب می‌آیند. این قلعه‌ها، دژهای کلیدی و مهم قهبستان به حساب می‌آمده است و تمامی برنامه‌های دفاعی و سازه‌های دفاعی مهم اسماعیلی در این دژها تمرکز داشته است. این دژها دارای بخش‌های مختلف دفاعی و سازه‌های مختلف خدماتی در داخل و بیرون قلعه بوده و تمامی بخش‌های یک شهر را داشته و بنا به گفته ویلی، شاه‌دژ یک شهر قلعه به حساب می‌آید.
 - قلعه‌های درجه دو (متوسط): این دسته از قلعه‌ها دارای بخش‌های خدماتی و دفاعی بوده ولی دچار ضعف‌های دفاعی نیز بوده‌اند. این قلعه‌ها عمدتاً از لحاظ وسعت و اندازه درجه دو به حساب می‌آیند، مانند قلعه دختر قاین، قلعه دختر خوگ، قلعه قلاع سرایان، قلعه دختر آبخورگ، قلعه کوه دره/غلام‌کش.
 - قلعه‌های درجه سه (کوچک یا پشتیبان): این نوع قلعه، قلاع کوچک اسماعیلی را در منطقه در بر می‌گیرند و غالب آنها دژهای پشتیبان و حمایتی بوده‌اند که مهم‌ترین این دژها قلعه زری،

قلعه قلاع مود، قلعه دختر آهنگران، قلعه کوه افین، قلعه دختر نوغاب، قلعه کوه نوزاد، قلعه دختر شوسف و ... را شامل می شود.

۴- به طور کلی دژهای اسماعیلی جنوب خراسان/قهبستان را از لحاظ بزرگی، نوع استحکامات و فضاهای خدماتی در سه سطح یا دسته می توان درجه بندی کرد که قلعه بنددره در میان این دسته بندی قرار می گیرد. (فرجامی، ۱۳۹۹: ۴۴۱)